





دانشگاه شهید چمران اهواز

دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد

عنوان:

مرگ مغزی، پیامدها و احکام فقهی- حقوقی آن

نگارنده:

عبدالرضا شریفی

استاد راهنما:

دکتر خسرو نشان

استاد مشاور:

دکتر محمد حسین گنجی




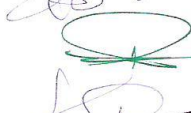


تیرماه ۱۳۹۱

باسمه تعالی  
دانشگاه شهید چمران اهواز  
دانشکده الهیات و معارف اسلامی  
(نتیجه ارزشیابی پایان نامه ارشد)

پایان نامه آقای عبدالرضا شریفی دانشجوی رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی  
دانشکده الهیات و معارف اسلامی به شماره دانشجویی ۸۹۱۱۷۰۴  
با عنوان :

« مرگ مغزی، پیامدها و احکام فقهی حقوقی آن »

جهت اخذ مدرک: کارشناسی ارشد در تاریخ ۹۱/۴/۵ توسط هیأت داوران مورد ارزشیابی قرار گرفت و  
با  
درجه بسیار خوب تصویب گردید.

امضاء	رتبه علمی	۱. اعضای هیأت داوران :
	استادیار	استاد راهنما: دکتر خسرو نشان
	دانشیار	استاد مشاور: دکتر محمد حسین گنجی
	استادیار	استاد داور: دکتر عبدالحسین رضایی راد
	استادیار	استاد داور: دکتر سید حسین آل طه
	استادیار	نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر سید یوسف محفوظی موسوی
	استادیار	۲. مدیر گروه: دکتر سید حسین آل طه
	استادیار	۳. معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده: دکتر مینا شمخی
	استاد	۴. مدیر تحصیلات تکمیلی دانشگاه: دکتر رحیم پیغان

تقدیم به

دوست عزیزم استاد حاج جلیل شریفیات که روح و معانی بلند اندرزهایش مرا به خدا می‌رساند.

## تقدیر و تشکر

از تمام اساتیدی که با کمک‌های فکری و معنوی، بنده را در نگارش پایان‌نامه‌ی حاضر یاری کرده‌اند و به ویژه از استاد راهنمای ارجمند جناب دکتر خسرو نشان و استاد مشاور محترم جناب دکتر محمد حسین گنجی و خانواده‌ی دلسوزم و همچنین از دوستان عزیزم مصطفی پژوهان و فرزاد شعبانی که در راستای تدوین پایان‌نامه یاری‌گر بنده بودند، تقدیر و تشکر می‌نمایم. در پایان خالصانه‌ترین سپاس خود را نثار استاد حاج جلیل شریفیات، عادل شریفی و عبدالله شعبانی که ویراستاری این اثر را بر عهده داشته‌اند، می‌نمایم.

## فهرست مطالب

عنوان .....	صفحه
مقدمه .....	۱
پیشینه‌ی تحقیق .....	۴
روش تحقیق .....	۷

### فصل اوّل: مرگ و حیات از دیدگاه اسلام

معنای مرگ و حیات در کتب لغت .....	۹
مرگ و حیات از نظر قرآن کریم و روایات .....	۱۰
انواع حیات .....	۱۲
دمیده شدن روح .....	۱۳
آغاز حیات انسان با نفخ روح .....	۱۵
چیستی روح .....	۱۶
مراحل خلقت انسان .....	۱۷
مراحل تکاملی جنین .....	۲۱
روح، ملاک وحدت در موجود زنده .....	۲۳

مرگ از نظرگاه متفکران مسلمان.....	۲۴
مرگ در آیات و روایات.....	۲۵
علایم مرگ بر اساس طبقه‌بندی متفکران مسلمان.....	۲۸
برخی علایم مرگ در قرآن.....	۲۹
علایم مرگ در روایات.....	۲۹
علایم مرگ در کلام فقها.....	۳۰
مساله‌ی مرگ مشتبه در روایات.....	۳۳
نتیجه‌گیری.....	۳۶

## فصل دوم: مرگ و حیات از دیدگاه پزشکی

تعریف حیات و مراحل آن.....	۳۸
تعریف مرگ و مراحل آن.....	۳۹
مرگ ظاهری.....	۴۰
مرگ قطعی.....	۴۱
علایم مرگ از نظر پزشکی.....	۴۲
تشخیص مرگ.....	۴۳

- مرگ قطعی یا قلبی..... ۴۳
- مرگ مغزی..... ۴۴
- مبنای مرگ مغزی..... ۴۵
- تاریخچه‌ی شکل‌گیری و طرح نظریه‌ی مرگ مغزی..... ۴۶
- تشخیص مرگ مغزی..... ۴۹
- از بین رفتن تظاهرات انفعالی ساقه‌ی مغز..... ۵۱
- آزمایش‌های مکمل مغزی..... ۵۴
- حالت‌های مشابه مرگ مغزی..... ۵۵
- مرگ انسان و مرگ اعضا..... ۵۶
- فوت بیمار مبتلا به مرگ مغزی..... ۵۹
- اهمیت تشخیص مرگ مغزی از ناحیه‌ی پزشکی..... ۵۹
- اوتانازی و مرگ مغزی..... ۶۰
- تاریخچه و تعریف اوتانازی..... ۶۲
- انواع اوتانازی..... ۶۳
- اوتانازی فعال داوطلبانه..... ۶۳



۶۴	.....	اوتانازی فعال غیرداوطلبانه
۶۵	.....	اوتانازی فعال اجباری
۶۵	.....	اوتانازی غیرفعال
۶۶	.....	اوتانازی غیرمستقیم
۶۷	.....	خودکشی مساعدت شده
۶۸	.....	دیدگاه‌های مختلف در مورد اوتانازی
۶۸	.....	دلایل موافقان اوتانازی
۶۹	.....	دلایل مخالفان اوتانازی
۷۰	.....	نتیجه‌گیری

## فصل سوّم: بررسی فقهی مرگ مغزی

۷۲	.....	طرح بحث
۷۴	.....	حیات غیرمستقر
۷۴	.....	احکام حیات غیرمستقر
۷۸	.....	مرگ مغزی، حقیقت شرعی یا متشرّعه
۷۹	.....	معیارهای تشخیص حیات مستقر و غیرمستقر
۸۳	.....	عرف

- تعریف عرف..... ۸۳
- حجّت بودن عرف..... ۸۴
- مرگ مغزی و عرف..... ۸۵
- نقد و بررسی..... ۸۸
- موضع گیری فقها نسبت به حیات بیمار دچار مرگ مغزی..... ۸۸
- بررسی استدلال معتقدان به زنده دانستن متوفای مغزی..... ۹۴
- دیدگاه علمای اهل تسنن درباره‌ی مرگ مغزی..... ۹۹
- تطبیق مسالهی مرگ مغزی با استدلالات اصولی..... ۱۰۴
- استدلال به قاعده‌ی لاضرر..... ۱۰۶
- نقد و بررسی..... ۱۰۷
- مسالهی مرگ مغزی و قاعده‌ی تزاحم..... ۱۰۸
- نقد و بررسی..... ۱۰۹
- مقتضای اصل اولیّه در مورد مردگان مغزی..... ۱۰۹
- اصل استصحاب..... ۱۱۰
- اصل احتیاط..... ۱۱۱
- نقدی بر دو دلیل ارایه شده..... ۱۱۱

مرگ مغزی، شبهه‌ی مفهومیّه یا مصداقیّه..... ۱۱۲

نقد و بررسی..... ۱۱۳

نتیجه‌گیری..... ۱۱۴

### فصل چهارم: مرگ مغزی، برداشت اعضا و دیدگاه فقهی - حقوقی

طرح بحث..... ۱۱۶

احیا..... ۱۱۷

احیا اعاده‌ی حیات است یا طولانی کردن آن؟..... ۱۱۸

حکم احیا..... ۱۲۰

حکم جدا کردن دستگاه‌های احیاکننده از متوفای مغزی..... ۱۲۰

برداشت و قطع اعضای متوفای مغزی..... ۱۲۱

بررسی فقهی برداشت عضو از متوفای مغزی..... ۱۲۲

ادله‌ی مخالفان برداشت عضو از مردگان مغزی و غیرمغزی..... ۱۲۴

روایات وارده بر حرمت بهره‌برداری از مردار..... ۱۲۴

نقد و بررسی دلیل..... ۱۲۴

اجماع فقها مبتنی بر حرمت بهره‌برداری و خرید و فروش مردار..... ۱۲۵

- ۱۲۶.....نقد و بررسی دلیل
- ۱۲۶.....حرمت انتفاع از میت
- ۱۲۷.....نقد و بررسی دلیل
- ۱۲۷.....نداشتن منفعت حلال
- ۱۲۸.....نقد و بررسی دلیل
- ۱۲۹.....هتک حرمت میت مسلمان
- ۱۲۹.....نقد و بررسی دلیل
- ۱۳۰.....حرمت مُثله کردن
- ۱۳۰.....نقد و بررسی دلیل
- ۱۳۱.....عدم جواز تاخیر دفن
- ۱۳۱.....نقد و بررسی دلیل
- ۱۳۲.....ادله‌ی موافقان برداشت عضو از مردگان مغزی و غیرمغزی
- ۱۳۲.....حکومت ادله‌ی عناوین ثانویه بر ادله‌ی عناوین اولیه
- ۱۳۴.....استناد به قاعده‌ی تزاحم
- ۱۳۵.....روایات مبتنی بر جواز برداشت عضو از مردگان
- ۱۳۵.....بررسی نظرات معتقدان به جواز برداشت عضو در مرگ مغزی

- ملاک جواز برداشت عضو از مرده‌ی مغزی و غیرمغزی مسلمان..... ۱۴۰
- حدود ضرورت مجوز برداشت عضو از بدن مردگان..... ۱۴۲
- حکم تشریح بدن میت به منظور آموزش طب و یا کشف جرم..... ۱۴۳
- دیه‌ی برداشت عضو از بدن میت..... ۱۴۴
- مقدار دیه‌ی برداشت اعضای متوفای مغزی..... ۱۴۵
- مسائل حقوقی برداشت اعضا..... ۱۴۶
- احکام فقهی - حقوقی مترتب بر متوفای مغزی..... ۱۵۱
- نتیجه‌گیری..... ۱۵۳
- راه کارها و پیشنهادها..... ۱۵۳
- نتایج..... ۱۵۴
- کتاب‌نامه..... ۱۵۸
- ضمایم..... ۱۷۲
- چکیده‌ی انگلیسی..... ۱۸۲

نام خانوادگی: شریفی	نام: عبدالرضا	شماره دانشجویی: ۸۹۱۱۷۰۴
عنوان پایان نامه: مرگ مغزی، پیامدها و احکام فقهی - حقوقی آن		
استاد/ اساتید راهنما: دکتر خسرو نشان		
استاد/ اساتید مشاور: دکتر محمد حسین گنجی		
درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: الهیات و معارف اسلامی	گرایش: فقه و مبانی حقوق اسلامی
دانشگاه: دانشگاه شهید چمران اهواز	دانشکده: الهیات و معارف اسلامی	گروه: فقه و مبانی حقوق اسلامی
تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۳۹۱/۴/۵		تعداد صفحه: ۱۸۲
کلید واژه ها: مرگ، مرگ مغزی، نفس، زندگی، اوتانازی.		
<p>موضوع مرگ مغزی از مسایل جدید پزشکی است و برای تشخیص آن، شورای تخصصی پزشکی به وسیلهی دستگاه‌های پزشکی مجهز آن را بیان می‌کند. از نظر پزشکی امروز مرگ مغزی، مرگ مسلم شناخته شده است. نظرات فقها در این زمینه متفاوت است، این نظرها به طور کلی به سه دسته تقسیم می‌شوند: برخی از فقها، مرگ مغزی را از باب احتیاط و از جهت حرمت نفس انسانی و بر اساس اصولی چون اصل استصحاب، و ملاحظه‌ی عرف عام، مرگ مسلم نمی‌دانند و به تبع این عقیده، جدا کردن دستگاه‌های احیاکننده از بیمار و برداشت اعضای او را جایز نمی‌دانند؛ اما برخی از فقها، مرگ مغزی را از باب عدم حیات انسانی و بر اساس نظریه‌ی کمیسیون پزشکی که همان عرف خاص است، مرگ مسلم می‌دانند و به تبع این عقیده، جدا کردن دستگاه‌های احیاکننده از بیمار و برداشت اعضای او را در صورت لزوم، از باب قاعده‌ی تراحم و لاضرر جایز می‌دانند. و برخی از فقها مرگ مغزی را یکی از مصادیق حیات غیرمستقر می‌دانند که از جهت برخی احکام فقهی - حقوقی در حکم میت به شمار می‌آید. در این زمینه سعی خواهد شد با بررسی مفهوم مرگ و حیات از دیدگاه پزشکی و اسلام، سه نظریه‌ی فوق مورد نقد و بررسی قرار گیرند و نقاط قوت و ضعف آن‌ها نیز در کنار آرا و استفتائات فقهای معاصر بیان شود.</p>		

## مقدمه

حمد و ثنای بی‌انتها خداوند عزّ و جل که انسان را آفرید و آنچه را که نمی‌دانست به او آموخت و بر او منت نهاد و او را خلیفه‌ی خویش خواند و با درود و سلام بر پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) که او را به عنوان الگو و اسوه‌ی حسنه برای انسان‌ها فرستاد، و بر آل او که پیشگامان عرصه‌ی علم و فقاقت‌اند.

پیشرفت‌های چشم‌گیر علوم، خصوصاً خدمات ارزنده‌ای که علم پزشکی در عصر اخیر به بشریت کرده است، سبب شد که مسایلی جدید در جامعه به وجود آید، و لازم است که علم فقه نیز مواضع روشن خود را در قبال این مسایل داشته باشد، تا از قافله‌ی بشریت عقب نماند. فقه ما، فقه اهل بیت است و نقاط قوتی دارد، از جمله این که منابع فقه اهل‌بیت به دلیل ارتباط مستقیم آن با وحی الهی، متقن است. فقه، علم به احکام است و فقهای ما در هر عصری، احکام را از ادله‌ای چون کتاب و سنت استنباط می‌کنند و نیاز به اصولی مانند قیاس، استحسان و امثال آن ندارند.

اجتهاد در هر عصری لازم است و باب آن بر اساس دیدگاه شیعه باز است و این از مقتضیات جاودانگی فقه و پویایی آن و خاتمیت رسالت و شریعت است. در برخی زمان‌ها حوادث جدیدی رخ می‌دهند که در دوره‌های گذشته سابقه‌ای نداشتند و فقها عهده‌دار تشخیص حکم مسایل مستحدثه هستند. در این زمان است که تشخیص حکم مسایل مستحدثه برای مجتهد به دلیل انفتاح باب اجتهاد، ممکن می‌شود و این اجتهاد انفتاحی از خصوصیات فقه ما، یعنی فقه اهل‌بیت است. در دوران معاصر،

مسالهی «مرگ مغزی» از مقوله‌های پر بحث است که در آن دو دیدگاه مهم مطرح است: اول دیدگاه پزشکی است که اکثر ایشان با توجه به پیشرفت علم پزشکی و استفاده از دستگاه‌های مجهز، فرد مبتلا به مرگ مغزی را فاقد حیات انسانی می‌دانند و معتقدند که دستگاه‌های پیشرفته‌ی پزشکی، فقط قادرند به حیات نباتی او کمک کنند و زندگی انسان و حیات ارادی او دیگر غیرقابل بازگشت است. دیدگاه دوم، دیدگاه فقها است. در این قسمت کار فقیه بسیار دشوار است؛ زیرا از یک طرف با این اصل مواجه است که نفس انسانی محترم است و نمی‌توان به آسانی به مرگ او حکم کرد و از طرف دیگر نظریه‌ی عرف خاص پزشکی مطرح است که می‌گوید حیات ارادی چنین فردی غیرقابل بازگشت است. در این زمینه آرای فقها مختلف است که این اختلاف ناشی از اختلافات مبنایی است. متأسفانه در دنیای شیعه در مورد مرگ مغزی تحقیقات جامع و کاملی صورت نگرفته است و یکی دو کتابی که در این زمینه به رشته‌ی تحریر درآمده بیش‌تر پیرامون پیوند اعضای مردگان مغزی بحث نموده‌اند، در حالی که در ابتدا لازم است مسالهی مرگ مغزی روشن شود و پس از آن به این مقوله پرداخت.

در این پایان‌نامه سعی ما بر این است که موضوع «مرگ مغزی» از دیدگاه کارشناسان امور پزشکی و فقها بررسی شود. در فصل اول به حیات و مرگ از دیدگاه اندیشمندان اسلام و مراحل خلقت انسان در آیات و روایات می‌پردازیم. در فصل دوم، حیات و مرگ انسان و علایم مرگ مغزی از دیدگاه پزشکی مورد بررسی قرار می‌گیرد و به این نتیجه می‌رسیم که تا زمانی که انسان دارای حیات است و روح در کالبد او وجود دارد، این انسان زنده است و حیات او قابل احترام است. در فصل سوم که بر مبنای نظریات مندرج در فصل دوم است به بررسی فقهی مرگ مغزی و تطبیق آن با استدلال‌ات اصولی و تحلیل نظریات علمای اهل تسنن در مورد مرگ مغزی پرداخته‌ایم. پس از بررسی فقهی مرگ مغزی



نوبت به آثار فقهی - حقوقی مترتب بر آن و برداشت اعضا می‌رسد که در فصل چهارم به این موضوع پرداخته‌ایم، البته در این زمینه قول موافقان و مخالفان مرگ مغزی بررسی کرده‌ایم و پاسخی که در حد توانایی این تحقیق می‌باشد، به ایشان داده‌ایم؛ ولی با این وجود هنوز بعضی از نظریات جای بحث دارند و می‌توان از این نظریات در جای مناسب خویش استفاده‌های لازم را برد.

از نظر ما محکم‌ترین دلیل به لحاظ قواعد فقهی و استدلال‌ات اصولی برای اثبات مرگ مغزی همان نظریه‌ی پزشکی است، البته نظریات دیگر در جای خود مفیدند، ولی با این وجود خدشه‌هایی بر آن‌ها وارد است که این خدشه‌ها بر نظریه‌ی پزشکی وارد نیست. با وجود این در این زمینه پیش‌داوری نکردیم و بر این باوریم که ممکن است دلیل محکم‌تر از نظریه‌ی پزشکی نیز وجود داشته باشد که بر نتیجه‌ی نهایی تاثیر گذارد.

انسان برای پی بردن به آفریده شده است تا موشکافی کند و از تار و پود نهران و آشکار هرچیز به اندازه‌ی توان خود آگاه شود. راز مرگ و زندگی که پیوندی عمیق با حیات انسانی دارد، عرصه‌ی گسترده‌ای برای تحقیق و مطالعه‌ی انسان فراهم کرده است. زندگی چیست؟ حقیقت روح چیست؟ چگونه جریان زندگی در قطعه گوشتی بی‌روح در شکم مادر جاری می‌شود؟ چگونه انسان زنده حرارت زندگی را از دست می‌دهد و به جسمی سرد تبدیل می‌شود؟ به چه علت و در چه زمانی انسان می‌میرد؟ این مسایل در حقیقت موضوع علوم گوناگون و متنوع فلسفه، روان‌شناسی، زیست‌شناسی و پزشکی است، اما میان مرگ و زندگی انسان و فقه و حقوق نیز ارتباط عمیقی وجود دارد، زیرا انسان زنده دارای احکامی است که انسان مرده آن احکام را ندارد و به سبب مرگ نیز احکام بسیاری به او تعلق می‌گیرد؛ همانند احکام دفن، کفن، میراث، ازدواج زوجه، برداشت اعضای او و سایر احکامی که

در کتاب‌های فقهی ذکر شده است. از این رو نقطه‌ی پایان زندگی انسان، مبنا و مبدأ ترتب احکام بسیاری است و لذا تعیین زمان مرگ از نظر فقه و حقوق ضرورت دارد. از طرف دیگر، با پیشرفت‌های علم پزشکی تعیین زمان مرگ ارتباط عمیقی با مساله‌ی برداشت اعضای انسان دارد، زیرا پزشک می‌تواند با توجه به تعیین زمان دقیق نقطه‌ی پایان حیات، با خیالی آسوده و وجدانی راحت، دستگاه‌های پزشکی را از بیمار جدا کند و به تلاش خود برای زنده نگه داشتن بیمار خاتمه دهد و طبق اصول صحیح که بر پایه‌ی شریعت، اخلاق، وجدان و مقررات حرفه‌ی پزشکی استوار است، به برداشت عضو اقدام کند. «زمانی که انسان می‌میرد اعضای بدن او به تدریج حیثیت برداشت را از دست می‌دهند، به طوری که پس از گذشت چند ساعت به طور کلی حیثیت پیوند را از دست می‌دهند، به عنوان مثال کلیه‌ها پس از ۴۸ ساعت و کبد پس از گذشت ۱۰ ساعت از زمان جدا کردن آنها، صلاحیت خود را از دست می‌دهند. این مدت برای قلب بسیار کوتاه‌تر است و چیزی حدود ۳ تا ۵ ساعت می‌باشد.»<sup>۱</sup>

### پیشینه‌ی تحقیق

در مورد مرگ و حیات انسان در برخی از کتاب‌های فقهی مطالبی بیان شده است، اما از آن‌جا که مساله‌ی «مرگ مغزی» و تشخیص آن از مسایل مستحدثه است، در کتاب‌های فقهی دوره‌های پیشین مطلب صریحی در مورد آن بیان نشده است. در قرن اخیر با گسترش علم پزشکی، فقه وارد عرصه‌ی جدیدی شده و به بحث پیرامون مسایل مستحدثه پرداخته است. در این زمینه اهل تسنن، نسبت به شیعه دارای تألیفات بیش‌تری هستند، اما از آن‌جا که استناد ایشان به ادله‌ای است که قابل قبول نیست؛

---

<sup>۱</sup> حسین حبیبی، مرگ مغزی و پیوند اعضا از دیدگاه فقه و حقوق، چاپ اول، انتشارات بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۰.ش.

لذا برای رسیدن به یک نتیجه‌گیری مطلوب در این زمینه به ادله‌ای مستحکم نیاز است. همچنین در میان منابع فارسی، علی‌رغم وجود منابع پزشکی، از نظر فقهی منبع جامع و کاملی وجود ندارد و مطالبی که در این زمینه گردآوری شده بیش‌تر به صورت مقاله است و اگر کتابی هم در این زمینه نوشته شده، آن قدر مختصر است که برای رسیدن به یک نتیجه‌ی مطلوب کافی نیست، لذا به نظر می‌رسد، تحقیق و بررسی بیش‌تر در این زمینه مثمرتر است.

پاسخ‌گویی به مسایل مستحدثه و نوپیدا در اعصار مختلف در میان فقها، امری رایج بوده است؛ اما در سده‌ی گذشته، با گسترش علوم و تحولات فرهنگی، صنعتی، اجتماعی و... شدت یافته است. یکی از حوزه‌های مرتبط با مسایل نوپیدا، حوزه‌ی مسایل پزشکی است که مانند دیگر جنبه‌های زندگی، دستخوش تحولات بسیاری شده است. آنچه همواره در مطالعه‌ی مسایل مستحدثه در دوران ما نقش کلیدی و مهم یافته، موضوع شناسی است، به گونه‌ای که شناخت و تحلیل دقیق و درست موضوع، گاهی به مراتب از حکم‌یابی آن دشوارتر و مهم‌تر است و نیازمند صرف زمان بیش‌تری است. متأسفانه کاستی‌هایی در زمینه‌ی مسایل مستحدثه وجود دارد و نسبت به شناخت دقیق و علمی موضوعات احکام کم‌توجهی شده است؛ البته برخی از موضوعات پزشکی، روشن و شفاف‌اند و مباحث مربوط به آن‌ها بیش‌تر جنبه‌ی حکمی دارند. به طور کلی اگر در موضوعات پزشکی و غیرپزشکی، موضوع به روشنی تبیین شود، حکم فقهی آن هم واضح خواهد بود. در هر صورت، فقهای عظام باید با پزشکان، متخصصان و دست‌اندرکاران مسایل بهداشت و درمان، به منظور شناخت و دریافت همه‌جانبه‌ی موضوعات نوپیدا، در تعامل باشند.

انقلابی که تحقیقات علمی و اکتشافات جدید پزشکی در قرن بیستم در زمینه‌ی علوم پزشکی به وجود آورده است، می‌بایست موفقیت قابل توجهی در امر بهداشت و حیات انسانی شمرده شود. این تحقیقات و اکتشافات، پرسش‌هایی را مطرح می‌سازند که فقهای اسلام نمی‌توانند درباره‌ی آنها سکوت کنند. این امر به دلیل پیوند عمیق فقه با زندگی است و نتایج بحث و تحقیق در مورد این پرسش‌ها و پاسخ‌گویی به آنها در زندگی انسان حایز اهمیت است. از مسایل مستحدثه‌ای که نیازمند بررسی است، قضیه‌ی «مرگ مغزی» است. امروزه در سرتاسر دنیا این مساله از نظر پزشکی مورد بررسی قرار گرفته است و تقریباً به نظر واحدی رسیده‌اند و ماهیت آن را مشخص نموده‌اند و اختلاف آنها تنها بر سر شرایط آن است. با این وجود پاسخ علمای ما در برخورد با این قضیه یکسان نیست، که این اختلاف ناشی از اختلافات مبنایی- اصولی است. در این پایان‌نامه سعی شده که اولاً قضیه‌ی «مرگ مغزی» مورد بررسی قرار گیرد و نظر موافقان و مخالفان ارزیابی شود، ثانياً آثار فقهی- حقوقی مترتب بر آن نیز بررسی شود تا گامی هر چند ناچیز در جهت اعتلای فقه امامیه برداشته شود. باید به این نکته توجه داشت که در این پایان‌نامه به هیچ عنوان، قصد صدور فتوا و حکم نهایی وجود ندارد، بلکه هدف، بررسی و تبیین دیدگاه فقها نسبت به این قضیه، به شکل تفصیلی و استدلالی و در قالب طرح، مقایسه کردن آرا و استدلال‌های آنان است. همچنین با توجه به هدف این پایان‌نامه باید به

سوالات اصلی زیر پاسخ داد:

۱. ماهیت مرگ مغزی چیست؟

۲. دیدگاه فقه نسبت به مساله‌ی مرگ از جهت تعریف و ملاک‌های آن چیست؟

۳. آیا از نظر فقهی، مرگ مغزی مصداقی از مرگ است؟